

۱ کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع، اسنادی و در کدام مصراع، غیراسنادی است؟  
الف) گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست / ب) گفت والی از کجا در خانه خمار نیست؟!

۲ با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.  
«گفت: نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم / گفت: والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست؟  
گفت: تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب / گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»  
الف) در بیت اول، فعل «شویم»، اسنادی و فعل «نیست»، غیراسنادی است. درست  نادرست   
ب) در بیت دوم، «خوابگاه مردم»، یک ترکیب اضافی و «مردم بدکار» یک ترکیب وصفی است.  
درست  نادرست

۳ در بیت زیر، فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.  
«گفت: نزدیک است والی را سرای آن‌جا شویم / گفت: والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست؟»

۴ با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم» / گفت: «والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست؟»  
الف) کارکرد «را» چیست؟  
ب) با توجه به معنا، کدام فعل اسنادی است؟

۵ برای خوانش این شعر، چه نوع آهنگ و لحنی را برمی‌گزینید؟ دلیل خود را بنویسید.

۶ درباره‌ی ارتباط موضوعی متن درس با هریک از بیت‌های زیر توضیح دهید.  
الف) دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی / من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم (حافظ)  
ب) گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو؟» (مولوی)

۷ در هریک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

	بیت هشتم
	بیت نهم

۸ متن درس (مست و هوشیار) از نظر شیوه‌ی بیان (جد - طنز) با این سروده‌ی حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟  
با محتسب عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۹ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.  
الف) گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار بیند، بگیرد و جد زند. (خواجہ نظام‌الملک توسی)  
ب) از بهر تو صد بار ملامت بکشم / گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم (مولوی)  
الف) محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.  
حد: مجازات شرعی  
ب)؟؟

۱۰ در بیت «گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه/ گفت: در سر عقل باید بی‌کلاهی عار نیست!»، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

۱۱ نوع گفت و گوی شعر زیر را در اصطلاح ادبی چه می‌نامند؟  
نخستین بار گفتش کز کجایی/ بگفت از دار مُلکِ آشنایی  
بگفت آن جا به صنعت در چه کوشند؟/ بگفت انده خزند و جان فروشند  
بگفتا جان‌فروشی در ادب نیست/ بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست

۱۲ مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.  
الف) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی  
ب) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۱۳ نوع «را» در مصرع «گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» چیست؟

۱۴ در بیت زیر عبارت «کلاه از سر افتادن» به جز معنای ظاهری در چه معنایی به کار رفته است؟  
گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه»  
گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»

۱۵ در مصراع «گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را»»، مقصود از «حد زدن» چیست؟

۱۶ در عبارت زیر معنی واژه‌ی مشخص شده را بنویسید.  
گفت: «تا دَاروِغِه را گوئیم، در مسجد بخواب»

۱۷ در بیت زیر مرجع «این» چیست؟  
بگفت او آن من شد زو مکن یاد  
بگفت این، کی کند بیچاره فرهاد؟

۱۸ فنّ مناظره در شعر کدام‌یک از شاعران معاصر به فراوانی یافت می‌شود؟

۱۹ در بیت «بگفت او آن من شد، زو مکن یاد / بگفت این کی کند بیچاره فرهاد؟» مرجع ضمیر «این» چیست؟

۲۰ معنی بیت زیر را فارسی روان بنویسید.  
گفت: باید حد زند هشیار مردم مست را  
گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

۲۱ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.  
گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان  
گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

۲۲ مفهوم کنایی مصراع اول بیت زیر را بنویسید.  
«بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟  
بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک»

۲۳ در بیت زیر «مگر» به چه معناست؟  
«چو خواهی که گویی نفس‌برنفس  
نخواهی شنیدن مگر گفتِ کس»

۲۴ مفهوم بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.  
بگفت: آن جا به صنعت در چه کوشند؟  
بگفت: انده خزند و جان فروشند

در بیت «به یاران گفت کز خاکی و آبی»

۲۵

ندیدم کس بدین حاضرجوابی» منظور از «خاکی و آبی» چیست؟

معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.

۲۶

نیامد بیش پرسیدن صوابش

چو عاجز گشت خسرو در جوابش

درباره‌ی تفاوت معنایی فعل «میآید»، در جمله‌ی زیر، توضیح دهید.

۲۷

این لباس به شما میآید.

در بیت زیر مرجع ضمیر «این» چیست؟

۲۸

بگفت این کی کند بیچاره فرهاد»

«بگفت او آن من شد زو مکن یاد»

شعر زیر را به نثر روان بنویسید:

۲۹

گفت: «باید حد زند هُشیار مردم ، مَسْت را»

درباره‌ی تفاوت معنایی فعل «گشت» در بیت زیر گفت‌وگو کنید.

۳۰

چون از او گشتی همه چیز از تو گشت

چون از او گشتی همه چیز از تو گشت

- ۱ الف) اسنادی (ب) غیراسنادی در معنی وجود ندارد. (ص ۱۹)
- ۲ الف) نادرست (ب) درست (ص ۱۹)
- ۳ شویم: برویم (ص ۱۹) / نیست: وجود ندارد (ص ۱۹)
- ۴ الف) رای فک اضافه یا کسره‌ی اضافه (ب) است (ص ۱۹)
- ۵ لحن تعلیمی: زیرا این شعر نوعی تعلیم و اندرز به خواننده است.
- ۶ الف) دورویی و ریاکار بودن نصیحت‌گویان (ب) رشوه‌خواری و زورگویی در جامعه و اشاره به فقر جامعه
- ۷ بیت هشتم: برتری عقل بر ظاهر  
بیت نهم: کار حرام کم و زیاد ندارد کلاً نباید انجام شود.
- ۸ هر دو یک موضوع اجتماعی را بیان می‌کنند و از طریق مناظره سعی می‌کنند به زبان ساده مشکلات جامعه را بیان کند.
- ۹
- ۱۰ عقل و خرد مهمتر از حفظ ظاهر و رعایت آن است. ص ۲۱
- ۱۱ مناظره، ص ۲۰
- ۱۲ اگر به خدا باور و توجه قلبی داری، دل کندن تو از علایق مادی (دنیوی) موجب رسیدن تو به حیات معنوی و روحانی می‌گردد. (یا مفاهیم مشابه) (۰/۵) (ص ۲۳)
- ۱۳ فکّ اضافه (۰/۲۵)
- ۱۴ تعادل نداشتن فرد مست را می‌رساند. (۰/۵)
- ۱۵ انجام مجازات شرعی (۰/۲۵)
- ۱۶ نگهبان (۰/۲۵)
- ۱۷ زو مکن یاد - یاد نکردن از شیرین (۰/۵)
- ۱۸ پروین اعتصامی (۱۳۲۰ - ۱۲۸۵ ش)
- ۱۹ یاد نکردن از شیرین

۲۰ [محتسب] گفت: هشیاران باید مست را مجازات شرعی کنند؛ [مست] گفت: برای این کار انسان هشیاری بیار، این جا وجود ندارد. (همه مست هستند).

۲۱ [محتسب] گفت: پنهانی پول و رشوه‌ای بده و خود را آزاد کن. [مست] گفت: شرع و دین با پول و رشوه ناسازگار است.

۲۲ کنایه از فراموش کردن عشق و معشوق (یا هر پاسخی نظیر این مفهوم)

۲۳ نه اگر، بی شرط، بی هیچ شرطی، به تحقیق، حتماً، هر آینه (ذکر یک مورد کافی است)

۲۴ [خسرو] گفت: مردم آن جا چه شغلی دارند؟ [فرهاد] گفت: کارشان خریدن اندوه و فروختن جان خود است.

۲۵ کل موجودات

۲۶ وقتی خسرو از جواب دادن به فرهاد عاجز گشت، بیش‌تر پرسیدن از او را جایز و درست ندید.

۲۷ می‌آید ← مناسب است، برآورده است

۲۸ یاد نکردن شیرین ، فراموش کردن شیرین (۰/۵)

۲۹ مردم هشیار باید در مورد آدم مست مجازات شرعی را اعمال کنند. (۰/۲۵)

۳۰ معنای اول: وقتی به خداوند تعلق پیدا کردی همه چیز از آن تو خواهد بود.

معنای دوم: وقتی از روی گردان شوی همه چیز از تو روی گردان خواهد شد.